



فقه قرائت

فقه ادا و فقه موسیقی ادا

محمد صادق یوسفی مقدم



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

www.ketab.ir



فقه قرائت

فقه ادا و فقه موسیقی ادا

محمدصادق یوسفی مقدم

- ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- تهیه و پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن
- پرویراستار: محمدباقر انصاری
- لیتگرافی: محمد صالحی؛ چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب
- چاپ اول: تابستان ۱۳۸۶
- شمارگان: ۱۰۰۰
- قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان
- عنوان: ۴۱۰؛ مسلسل: ۶۵۵

اهمیت حقوق برای تسهیل فرایند پژوهش و انتشار آثار علمی و فرهنگی در حوزه‌های مختلف علمی و فرهنگی، از جمله حقوق نشر، یکی از مهم‌ترین مباحث است. این کتاب به بررسی حقوق نشر در حوزه‌های مختلف علمی و فرهنگی می‌پردازد و به توضیح حقوق نشر و نحوه استفاده از آن می‌پردازد. این کتاب به زبان فارسی و به صورت چاپی و دیجیتال در دسترس قرار دارد. این کتاب به عنوان یکی از منابع مهم برای پژوهشگران و نویسندگان در حوزه حقوق نشر و فرهنگ اسلامی و ایرانی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. این کتاب به صورت چاپی و دیجیتال در دسترس قرار دارد. این کتاب به عنوان یکی از منابع مهم برای پژوهشگران و نویسندگان در حوزه حقوق نشر و فرهنگ اسلامی و ایرانی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

سرشناسه:	یوسفی مقدم، محمدصادق، ۱۳۳۶ -
عنوان و نام پدیدآور:	فقه قرائت: فقه ادا و فقه موسیقی ادا/ محمدصادق یوسفی مقدم، پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن
مشخصات نشر:	قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری:	۵۰۸ ص
شابک:	۳۲۰۰۰۰ ریال: 978-600-5-326-2
وضعیت فهرست‌نویسی:	فبا
یادداشت:	کتابنامه: ص [۴۵۳]-۴۸۲؛ همچنین به صورت زیرنویس
یادداشت:	نماینه
موضوع:	فقه ادا و فقه موسیقی ادا
موضوع:	قرآن - قرائت
شناسه افزوده:	دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۶ ۷۵/۹۷۷ BP
رده‌بندی دیویی:	۲۹۷/۱۵۱
شماره کتابشناسی ملی:	۴۷۳۰۹۳۸



فهرست

۲۲	سخنی با خواننده
۲۵	چکیده
۲۷	مقدمه

بخش دوم کلیات

۲۷	مفهوم‌شناسی فقه قرائت
۲۷	فقه در لغت
۲۷	فقه در اصطلاح
۳۸	فقه قرائت
۳۸	فقه ادا
۳۹	فقه آهنگ و لحن ادا
۳۹	فقه آداب قرائت
۳۹	فقه قرائات
۴۰	ضرورت شناخت گونه‌های قرائت

بخش دوم: فقه ادا

- فصل یکم: قواعد و احکام زبان عرب ۴۷
- پیشینه تدوین علم نحو ۴۷
- بررسی سبب تدوین علم نحو ۴۸
- ادله لزوم رعایت قواعد زبان عرب ۵۰
۱. آیات ۵۰
۲. روایات ۵۳
- دیدگاه فقیهان ۵۷
- مذاهب حنفی حلی ۵۷
- دیدگاه علامه حلی ۵۷
- دیدگاه محقق نراقی ۵۸
- دیدگاه شهید ثانی ۵۹
- دیدگاه سید محمد کاظم یزدی ۵۹
- دیدگاه فقیه سبزواری ۶۰
- دیدگاه آیت الله خویی ۶۱
- ادله فقیهان ۶۳
۱. قرآن نبودن قرائت غیر عربی ۶۳
۲. ادای صحیح: مقوم ذات کلمه ۶۴
۳. تلقی حرکات و اعراب کلمات از صاحب شریعت ۶۴
۴. اجماع ۶۴
- نتیجه گیری ۶۵
- فصل دوم: پرهیز از لحن در قرائت ۶۷

معانی لحن	۶۸
اقسام لحن	۷۴
لحن جلی (نادرست خوانی آشکار)	۷۴
لحن خفی	۷۵
حکم لحن	۷۸
حکم لحن به معنای تطریب	۷۸
حکم لحن به معنای لغت	۷۹
حکم لحن به معنای نغمه	۸۰
حکم لحن در ادب و قرائت	۸۱
تنوع مصادیق ادب و قرائت	۸۱
حکم فقهی لحن جلی و خفی	۸۱
حکم لحن جلی	۸۳
حکم لحن خفی	۸۴
دیدگاه منتخب	۸۵
یادآوری	۸۷
فصل سوم: قرائت تجویدی	۹۱
تجوید در لغت	۹۱
تجوید در اصطلاح	۹۲
تعریف قرائت تجویدی	۹۴
غرض دانش تجوید	۹۵
موقعیت جغرافیایی دانش تجوید	۹۵
مخارج و صفات حروف	۹۹

- ۹۹ مخارج عامه حروف
- ۹۹ اندام‌های گفتاری
- ۱۰۱ مخارج حروف
- ۱۰۴ القاب حروف
- ۱۰۵ صفات حروف
- ۱۰۶ تقسیم صفات به اصلی و فرعی
- ۱۰۶ صفات اصلی و متضاد حروف
- ۱۰۶ حشر
- ۱۰۷ مس
- ۱۰۸ ع
- ۱۰۹ رخوت
- ۱۰۹ یادآوری
- ۱۱۰ استعلا
- ۱۱۰ استفال
- ۱۱۰ یادآوری
- ۱۱۱ طباق
- ۱۱۱ انفتاح
- ۱۱۱ اذلاق
- ۱۱۲ اصمات
- ۱۱۳ صفات فرعی و غیرمتضاد
- ۱۱۳ صغیر
- ۱۱۴ قلقله

۱۱۵	خفا
۱۱۶	لین
۱۱۸	تکریر
۱۱۸	انحراف
۱۱۹	تفشی
۱۲۱	استطاله
۱۲۱	تفاوت استطاله و مد
۱۲۲	مد
۱۲۲	ره
۱۲۳	یحه
۱۲۴	نفخه
۱۲۵	نفثه
۱۲۵	آثار صفات
۱۲۹	فصل چهارم: حکم رعایت تجوید در قرائت
۱۳۰	حکم تجوید علمی
۱۳۰	دیدگاه عالمان قرائت
۱۳۱	حکم تجوید عملی (تطبیقی)
۱۳۲	دیدگاه عالمان تجوید
۱۳۲	دلایل وجوب قرائت تجویدی
۱۳۲	آیات قرآن
۱۳۳	روایات
۱۳۴	اجماع

- ۱۳۶ نقد ادله وجوب قرائت تجویدی
- ۱۳۶ نقد ادعای دلالت آیات
- ۱۳۷ نقد دلالت روایات
- ۱۳۸ نقد ادعای اجماع
- ۱۳۹ دیدگاه فقیهان
- ۱۳۹ تجوید از محسنات کلام
- ۱۴۰ ساخته و پرداخته عالمان تجوید
- ۱۴۱ درگاه تفصیل
- ۱۴۲ در باب روایت قواعد تجوید
- ۱۴۳ دیدگاه منتخب
- ۱۴۴ اقسام احکام و قواعد
- ۱۴۴ قواعد و احکام مرسوم کلمه
- ۱۴۶ قواعد زیبایی و کمال
- ۱۴۷ قواعد مورد اختلاف
- ۱۵۹ فصل پنجم: وقف و ابتدا
- ۱۶۰ مفهوم شناسی وقف و ابتدا
- ۱۶۲ فرق وقف، قطع و سکت
- ۱۶۵ بادآوری
- ۱۶۵ مواضع وقف و ابتدا
- ۱۶۶ وقف تام مختار
- ۱۶۷ وقف کافی جایز
- ۱۶۸ وقف حسن

۱۶۹	وقف قبیح متروک
۱۶۹	وقف معانقه
۱۷۲	علایم وقف
۱۷۲	حرف م
۱۷۳	حرف ط
۱۷۳	حرف ج
۱۷۳	حرف ز
۱۷۴	حرف س
۱۷۴	حرف ه
۱۷۴	یادآوری
۱۷۵	حرف ق
۱۷۵	حرف ک
۱۷۶	سه نقطه (..)
۱۷۶	حرف س
۱۷۶	وقف بر پایان و فواصل آیات
۱۷۷	موارد وقف بر آیات
۱۷۷	۱. نبود ارتباط معنایی و لفظی با آیه بعد
۱۷۸	۲. وجود ارتباط معنایی
۱۸۱	۳. ارتباط لفظی
۱۸۲	۴. اختلاف قرائت
۱۸۳	نتیجه‌گیری
۱۸۳	بررسی حدیث ام‌سلمه

- ۱۸۵ جایگاه وقف و ابتدا
- ۱۸۶ وقف و ابتدا از مسائل تجوید
- ۱۸۷ وقف و ابتدا از مسائل ترتیل
- ۱۸۸ دیدگاه منتخب
- ۱۹۰ اعتبار شرعی وقف و ابتدا
- ۱۹۰ دیدگاه عالمان تجوید
- ۱۹۱ دیدگاه فقیهان
- ۱۹۱ اعت‌بودن اصطلاحات
- ۱۹۴ باخ و ویرداخته قاریان
- ۱۹۵ استحباب عمل
- ۱۹۶ اعتبار نظر امام رضا
- ۱۹۷ دیدگاه منتخب
- ۱۹۷ دلایل اعتبار شرعی مواضع وقف و ابتدا
- ۱۹۷ روش عقلا
- ۱۹۸ سنت پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام
- ۱۹۹ از باب رجوع به خبرگان
- ۲۰۰ حکم شرعی مواضع وقف و ابتدا

بخش سوم: اقسام قرائت تجویدی

- ۲۰۷ ملاک تقسیم در قرائت تجویدی
- ۲۱۱ فصل یکم: قرائت ترتیلی
- ۲۱۲ مفهوم‌شناسی قرائت ترتیلی

۲۱۲	ترتیل در لغت
۲۱۲	ترتیل در اصطلاح
۲۱۶	ترتیل در آیات و روایات
۲۱۶	۱. آیات
۲۲۵	نتیجه‌گیری
۲۲۶	۲. روایات
۲۲۶	ادای صحیح و توجه به معنا
۲۲۸	ترتیل معنای قرائت حزین
۲۳۱	ترتیل معنای صدای نیکو
۲۳۲	ترتیل به معنای حسین حرف
۲۳۵	تعریف قرائت ترتیلی
۲۳۵	نسبت تجوید و ترتیل
۲۳۶	حکم قرائت ترتیلی
۲۳۷	۱. دیدگاه وجوب ترتیل
۲۳۷	۲. استحباب قرائت ترتیلی
۲۳۹	ادله استحباب قرائت ترتیلی
۲۳۹	اصل عدم وجوب ترتیل
۲۴۰	روایات
۲۴۲	اجماع
۲۴۲	دیدگاه منتخب
۲۴۷	فصل دوم: قرائت تحقیقی
۲۴۷	مفهوم‌شناسی تحقیق

- ۲۴۷ مفهوم لغوی تحقیق
- ۲۴۸ مفهوم اصطلاحی تحقیق
- ۲۵۰ جایگاه تعلیم قرائت
- ۲۵۱ گستره تعلیم قرآن
- ۲۵۳ حکم تعلیم قرائت
- ۲۵۳ تعلیم قرائت: واجب کفایی یا عینی؟
- ۲۵۶ قرائت واجب: توصلی یا تعبدی؟
- ۲۵۷ تعلیم توصلی قرائت
- ۲۵۹ حکم اوستادگرازی بر تعلیم قرائت
- ۲۵۹ دیدگاه فقها:
- ۲۶۰ دیدگاه منتخب
- ۲۶۶ حکم قرائت تحقیقی
- ۲۶۹ فصل سوم: قرائت حدر
- ۲۶۹ مفهوم شناسی حدر
- ۲۶۹ حدر در لغت
- ۲۷۰ حدر در اصطلاح
- ۲۷۰ حدر در دانش فقه
- ۲۷۱ حدر در دانش تجوید
- ۲۷۲ تعریف قرائت حدر
- ۲۷۳ لزوم رعایت احکام تجوید در قرائت حدر
- ۲۷۵ هدف قرائت حدر
- ۲۷۶ مفاد روایات

۲۷۷	دیدگاه اندیشمندان
۲۷۸	حکم قرائت حدر
۲۷۸	قرائت هذرمه
۲۷۹	مفهوم‌شناسی قرائت هذرمه
۲۷۹	قرائت هذرمه در روایات
۲۸۵	فصل چهارم: قرائت تدویری
۲۸۵	تدویر در لغت
۲۸۵	تدویر در اصطلاح
۲۸۶	حکم قرائت تدویری

بخش چهارم: فقه موسیقی ادا

۲۹۱	فصل یکم: موسیقی قرآن
۲۹۱	نوشتار یکم: مفهوم‌شناسی موسیقی
۲۹۱	معنای لغوی موسیقی
۲۹۲	معنای اصطلاحی موسیقی
۲۹۷	ابعاد قابل بررسی در موسیقی
۲۹۷	۱. موسیقی حاصل از ابزار موسیقی
۲۹۷	۲. موسیقی حاصل از صدای غنایی انسان
۲۹۸	۳. موسیقی به صورت مطلق
۲۹۸	نوشتار دوم: اعجاز موسیقی قرآن
۲۹۸	۱. نظم آهنگ صداها و کلمات
۳۰۰	۲. تناسب نظم آهنگ و ارگان با معانی

- ۳۰۲ مشرکان عاجز از مقابله با نظم آهنگ قرآن
- ۳۰۵ موسیقی باطنی و ظاهری
- ۳۰۶ اهداف موسیقی قرآن
- ۳۰۶ ضرورت سلامت موسیقی تلاوت
- ۳۰۷ تفاوت موسیقی روا از ناروا
- ۳۱۱ فصل دوم: قرائت‌های روا
- ۳۱۱ نوشتار یکم: قرائت تحسینی (نیکوکردن صدا)
- ۳۱۲ مفهوم ناسی صوت حسن
- ۳۱۴ نصوص قرائت قرآن با صدای نیکو
- ۳۱۴ ۱. آیات قرآن
- ۳۱۵ ۲. روایات
- ۳۱۶ مطلوبیت قرائت با صدای نیکو
- ۳۱۸ صدای نیکو: زینت قرآن
- ۳۱۹ پیامبران دارای نیکوترین صدا
- ۳۱۹ پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله دارای نیکوترین قرائت
- ۳۲۰ امامان علیهم السلام دارای نیکوترین قرائت
- ۳۲۱ تفاوت نیکوکردن صدا در قرائت با تجوید
- ۳۲۵ بررسی دیدگاه تقلیب
- ۳۲۷ تلازم قرائت نیکو با غنا
- ۳۲۷ دیدگاه تلازم
- ۳۲۷ دیدگاه عدم تلازم
- ۳۲۹ دیدگاه منتخب

۳۳۲	نوشتار دوم: قرائت ترجیعی
۳۳۳	مفهوم‌شناسی ترجیع
۳۳۳	ترجیع در لغت
۳۳۳	ترجیع در اصطلاح
۳۳۴	ترجیع به معنای تکرار
۳۳۵	حکم ترجیع به معنای تکرار
۳۳۵	حکم تکرار فصول اذان
۳۳۵	حکم تکرار آیات
۳۳۸	ترجیع به معنای ترتیل
۳۳۹	نقد دیدگاه یادشده
۳۴۰	ترجیع به معنای غنا در قرائت
۳۴۰	نقد دیدگاه یادشده
۳۴۳	احتیاط خلاف احتیاط
۳۴۴	نقد توجیهات غیر مفید
۳۴۵	ترجیع به معنای ترنم
۳۴۶	حکم ترنم در قرائت
۳۴۶	ترجیع به معنای تحریر
۳۴۹	حکم قرائت ترجیعی
۳۴۹	روایات جواز قرائت ترجیعی
۳۵۰	روایات دسته اول
۳۵۲	بررسی سندی روایت ابوبصیر
۳۵۸	بررسی سند روایت عبدالله بن سنان

- ۳۵۹..... روایات دسته دوم
- ۳۶۰..... نتیجه گیری
- ۳۶۱..... نوشتار سوم: قرائت تحزینی
- ۳۶۱..... مفهوم شناسی تحزین
- ۳۶۱..... معنای لغوی
- ۳۶۲..... معنای اصطلاحی
- ۳۶۴..... قرائت تحزینی در روایات
- ۳۶۵..... روایات دسته اول
- ۳۶۶..... بررسی سندی روایات
- ۳۶۷..... نتیجه گیری
- ۳۶۷..... روایات دسته دوم
- ۳۶۹..... بررسی سندی روایات
- ۳۶۹..... قرائت تحزینی در منابع روایی محل بحث
- ۳۷۰..... حزن شنونده قرائت
- ۳۷۳..... فلسفه نزول قرآن به حزن
- ۳۷۵..... نوشتار چهارم: قرائت گروهی
- ۳۷۵..... ۱. همخوانی
- ۳۷۶..... حکم همخوانی
- ۳۸۴..... ۲. قرائت اداره (حلقات قرائت قرآن)
- ۳۸۵..... حکم قرائت اداره
- ۳۸۷..... فصل سوم: قرائت های ناروا
- ۳۸۷..... نوشتار یکم: قرائت غنایی قرآن

۳۸۸	مفهوم‌شناسی غنا
۳۸۸	غنا در لغت
۳۸۸	غنا در اصطلاح
۳۸۹	مفهوم‌شناسی طرب
۳۹۰	تفاوت معنایی و فقهی اطراب و تطریب
۳۹۲	معنای خفت در طرب
۳۹۳	نسبت طرب و ترجیع
۳۹۵	نتیجه‌گیری
۳۹۶	حکم غنا
۳۹۶	۱. دیدگاه فقیهان شیعه
۳۹۸	۲. دیدگاه فقیهان اهل سنت
۳۹۹	مفهوم‌شناسی تغنی به قرآن
۳۹۹	تغنی در لغت
۴۰۱	تغنی به قرآن در اصطلاح
۴۰۵	دیدگاه فقیهان درباره تغنی به قرآن
۴۰۵	دیدگاه فقیهان شیعه
۴۰۶	تحریم تغنی به قرآن
۴۰۸	جواز تغنی به قرآن
۴۰۹	دیدگاه عالمان اهل سنت
۴۱۱	ضرورت دسته‌بندی نصوص
۴۱۴	روایات عدم جواز تغنی به قرآن
۴۱۴	روایات عام نهی از تغنی

- ۴۱۵..... دیدگاه فقیهان درباره روایات عام
- ۴۱۷..... روایات خاص نهی از تغنی به قرآن
- ۴۲۰..... روایات جواز تغنی به قرآن
- ۴۲۰..... حدیث یکم
- ۴۲۱..... دیدگاه فقیهان اهل سنت
- ۴۲۳..... دیدگاه فقیهان شیعه
- ۴۲۴..... نظر منتخب
- ۴۲۵..... حدیث دوم
- ۴۲۵..... دیدگاه فقیهان اهل سنت
- ۴۲۵..... دیدگاه فقیهان شیعه
- ۴۲۷..... حدیث سوم
- ۴۲۹..... حدیث چهارم
- ۴۳۰..... حدیث پنجم
- ۴۳۱..... نتیجه گیری
- ۴۳۲..... بررسی دیدگاه های جواز تغنی به قرآن
- ۴۳۲..... دیدگاه فیض کاشانی
- ۴۳۲..... دیدگاه محقق سبزواری
- ۴۳۵..... دیدگاه شعرانی
- ۴۳۶..... دیدگاه معرفت
- ۴۳۸..... نقد دیدگاه جواز تغنی به قرآن
- ۴۳۸..... خلط موضوعی روایت
- ۴۴۱..... مخالفت روایات جواز تغنی با قرآن

۴۴۲		ناتمام بودن ادعای انصراف
۴۴۵		استثنای پذیرش تغنی به قرآن
۴۴۵		غنا در قرائت: فاقد خروج تخصصی
۴۴۸		نوشتار دوم: ترقیص در قرائت
۴۴۸		ترقیص در لغت
۴۴۸		ترقیص در اصطلاح
۴۴۹		حکم ترقیص در قرائت
۴۵۱		یادآوری
۴۵۱		نوشتار سوم: ترعید در قرائت
۴۵۱		ترعید در لغت
۴۵۱		ترعید در اصطلاح قرائت
۴۵۲		حکم ترعید در قرائت
۴۵۲		یادآوری
۴۵۳		کتابنامه

نمایه‌ها

۴۸۳		آیات
۴۹۰		روایات
۴۹۵		اعلام و مشاهیر
۴۹۷		موضوعی

سخنی با خواننده

وظیفه مسلمانان اندیشیدن و پندگرفتن از قرآن مجید (كِتَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ) و پیشی گرفتن از دیگران در عمل به آن است (اللَّهُ أَشَدُّ الْقَوْلِ فَلَا يَسْبِقُكُمْ إِلَى الْعَمَلِ بِهِ أَحَدٌ غَيْرُكُمْ) ولی اهمیت قرائت قرآن نیز تا آنجاست که خداوند در سوره مزمل دو بار فرمان می‌دهد هر چه می‌توانید قرآن قرائت کنید (فَاذْكُرُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ... فَأَقْرَؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ...) ۱. افزون بر آن سوره مبارکه لقمان که سومین سوره نازل شده بر پیامبر ﷺ است، امر به قرائت را در کنار امر به نماز، زکات و قرض الحسنه و مقدم بر آنها آورده است (... فَأَقْرَؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا...) و این نشانی دیگر از اهتمام قرآن به امر قرائت است. پیامبر اعظم ﷺ و صحابه آن حضرت نیز اهمیت فراوانی به قرائت صحیح قرآن می‌دادند. در این میان برخی صحابه برتری خاصی در زمینه قرائت کسب کردند و به امتیاز مرجعیت تعلیم یا تصحیح قرائت دیگران دست یافتند. آنان به ترتیب جایگاه عبارت‌اند از: علی بن ابی طالب (رضی الله عنه)، عبدالله بن مسعود، اُبی بن کعب، ابوالدرداء و زید بن ثابت. ذهبی در معرفة القراء الکبار آنان را هفت نفر

۱. ص: ۲۹.

۲. مزمل: ۲۰.

معرفی کرده و عثمان بن عفان و ابوموسی اشعری را افزوده است.^۱ در کامل ابن اثیر^۲ و التمهید فی علوم القرآن^۳ نام مقداد بن اسود نیز افزوده شده است.

این اهتمام سبب شد قرائت به عنوان میراث نبوی مطرح و در طول قرن‌ها ابعاد مختلف آن واکاوی شود و درباره آن دانش‌های گوناگون پدید آید و تألیفات گسترده‌ای از نثر و نظم تدوین شود. این امر مهم برای آن بود که افزون بر نقش قرائت در درک معنا، پایه صحیح صیانت از قرآن کریم، حفظ کردن، درست‌نویسی به‌ویژه قرائت صحیح آن مطابق احکام و قواعد قرائت است.

نثار خراسانی^۴ سما نوشتاری است که مباحث مربوط به فقه قرائت (فقه ادا، فقه آهنگ، موسیقی ادا) را با ساختاری نو بررسی و به جامعه علمی ارائه کرده و کوشیده است در همه بخش‌ها و فصل‌ها به‌جز مطالب مربوط به مخارج و صفات حروف، با گاهی حتمی، موضوعات و مسائل را بررسی کند، بدیهی است فعالیت پیش‌روان نقص نخواهد بود؛ از این‌رو امید می‌رود محققان و دانشمندان قرآن‌پژوه با تقاضا و پیشنهادهای خود، نویسنده را در تکمیل آن یاری کنند. در پایان لازم می‌دانم از هیچ اسلام والمسلمین آقای علی مدبّر (اسلامی) که با نظارت و آقایان حبیب‌الله احمدی و محمدرضا شهیدی‌پور که با ارزیابی و آقای محمدعلی محمد که نظارت فرایندی بر غنای اثر افزودند، سپاسگزاری کنم؛ همچنین از نشر پژوهشگاه که در نشر این اثر نوشتار از هیچ سعی و تلاشی دریغ نرزد، قدردانی می‌کنم.

محمدصادق یوسفی مقدم

رئیس پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن

۱. محمد بن احمد بن عثمان ذهبی؛ معرفة القراء الکبار علی الطبقات و الأعصار؛ ج ۱، ص ۱۲۲-۱۲۴.

۲. ابن اثیر؛ الکامل؛ ج ۳، ص ۶۸.

۳. محمدهادی معرفت؛ التمهید فی علوم القرآن؛ ج ۱، ص ۳۳۱.

چکیده

کتاب به قرائت (فقه ادا و فقه موسیقی ادا) از یک مقدمه و چهار بخش علمی تشکیل شده است. در مقدمه کتاب پس از بیان اینکه نزول قرآن کریم، ملفوظ و صوتی بوده است و اهمیت دادن پیامبر ﷺ و صحابه به قرائت قرآن، قرائت را به میراث بزرگ اسلام تبدیل کرد، به این مطلب که درباره فقه قرائت آثاری مستقل تدوین نشده و فقهای به این احکام مربوط به قرائت در دیگر مباحث فقهی متعرض شده‌اند، اشاره نموده سپس مباحث کتاب در چهار بخش (کلیات، فقه ادا، اقسام قرائت تجویدی و فقه موسیقی ادا) تدوین یافته است.

در بخش اول با بیان مفهوم‌شناسی فقه قرائت در ائمت و اصطلاح، به بیان قلمرو فقه قرائت پرداخته‌ایم که شامل چهار حوزه فقه ادا، فقه موسیقی ادا، فقه آداب و شرایط قرائت و فقه اختلاف قرائات) می‌شود و در پایان با بیان ضرورت شناخت گونه‌های قرائت گفته‌ایم که در این کتاب تنها به حدیث اول و دوم فقه قرائت پرداخته شده است. مطالب بخش دوم در قالب پنج فصل (قواعد و احکام زبان عرب، لزوم پرهیز از لحن در قرائت، حکم شرعی احکام تجوید در قرائت و مفهوم و حکم وقف و ابتدا) بررسی شده است. در بخش سوم قرائت تجویدی به چهار قسم (تحقیق، ترتیل، تدویر و حذر) تقسیم و با بیان علت تقسیم قرائات به چهار قسم یاد شده، هر یک از آن قرائات در فصلی مستقل بررسی شده است. نیز به جهت تناسب قرائت هذرمه با قرائت حذر،

قرائت هذر مه ذیل قرائت حدر از نظر موضوع و حکم تبیین شده است.

بخش چهارم به فقه موسیقی ادا پرداخته و سه فصل به آن اختصاص یافته است: یکی فصل موسیقی قرآن که در دو نوشتار مفهوم‌شناسی و اعجاز موسیقی قرآن بررسی شده است و با توجه به اینکه عالمان قرائت و نیز فقیهان برخی قرائات را مجاز و برخی را غیر مجاز دانسته‌اند، یک فصل به قرائت‌های روا اختصاص یافته و در چهار نوشتار قرائت تحسینی (نیکوکردن صدا)، قرائت ترجیعی، قرائت تحزینی و قرائت گروهی بررسی شده است و قرائت گروهی نیز در موضوع قرائت همخوانی و قرائت اداره (حلقات قرائت قرآن)، از نظر حکم و موضوع تبیین شده است و فصل دیگر به قرائت‌های ناروا اختصاص یافته و در سه نوشتار قرائت تنزایی، ترقیص و ترعید در قرائت بررسی شده است.

مقدمه

از و رومی ای درخور توجه قرآن کریم، نزول آن به صورت ملفوظ و صوتی بودن است؛^۱ حال آنکه تورات و انجیل به صورت لوح‌های مکتوب بر موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام نازل شده است.^۲ آیات قرآن نیز بیانگر آن است که قرآن از جانب پروردگار عالم به وسیله جبرئیل امین علیه السلام و به زبان عربی مبین بر خاتم پیامبران، حضرت محمد صلی الله علیه و آله بدون تغییر و تبدیل قرائت شده و آن حضرت نیز بدون کم و کاست آن را بر زبان خود جاری ساخته و قرائت کرده است. نگاهی گذرا به برخی آیات قرآن حقیقت را آشکار می‌سازد. اکنون برخی آیات را بررسی می‌کنیم:

۱. «وَإِنَّهُ لَنَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ * نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ * بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ»^۳ مسلماً این [قرآن] از سینه پروردگار جهانیان نازل شده است. روح‌الامین آن را بر قلب [پاک] تو نازل کرد، تا از اندازکنندگان باشی، [آن را] به زبان عربی آشکار [نازل کرد].»^۴ این آیه

۱. شیخ طوسی؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۷، ص ۴۸۸. محمد بن عبدالله زرکشی؛ البرهان فی علوم

القرآن؛ ج ۱، ص ۳۲۵. جلال‌الدین سیوطی؛ الاتقان فی علوم القرآن؛ ج ۱، ص ۱۶۱.

۲. فضل بن حسن طبرسی؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۳، ص ۲۰۵. سید محمدحسین

طباطبایی؛ المیزان؛ ج ۱۵، ص ۱۷۸. میرسیدعلی حائری؛ مقتنیات الدرر؛ ج ۳، ص ۲۱۳. محمد بن

یوسف ابوحیان اندلسی؛ البحر المحیط فی التفسیر؛ ج ۴، ص ۲۷۱.

۳. شعراء: ۱۹۲-۱۹۵.

سخن از نزول قرآن به زبان عربی مبین است. بی شک معنای نزول به زبان عربی مبین، غیر مکتوب قرآن است.

۲. «لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتُجَاجِلَ بِهِ * إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ * فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيِّنَاتِهِ: ۱ زیانت را از روی عجله برای خواندن آن [قرآن] حرکت مده؛ چرا که جمع کردن و خواندن آن بر عهده ماست؛ پس هر گاه آن را خواندیم، از خواندن آن پیروی کن. سپس بیان [و توضیح] آن [نیز] بر عهده ماست».

این آیه بیانگر آن است که قرآن به صورت ملفوظ نازل شده است و هر دو واژه «قرآن» قرآن به معنای جمع قرآن نیست، بلکه به نظر بیشتر مفسران،^۱ مصدر و به معنای قرئت و تلاوت است. از ابن عباس نیز ذیل آیه یاد شده نقل شده است که هر گاه قرآن به پیغمبر ﷺ نازل می شد، آن حضرت به دلایل علاقه به قرآن، حرص بر گرفتن و ضبط آن و ترس از دست رفتن آیات الهی، پیش از آنکه جبرئیل قرائتش به پایان برسد، زیانت را به قرائت آیات قرآن می گشود؛ پس خداوند به پیامبر ﷺ امر کرد تا تلاوت کند و به وحی گوش جان بسپارد. هر وقت وحی به طور کامل به پایان رسید، او قرآن را بخواند تا وحی را یاد بگیرد و در جانش نفوذ کند؛ از این رو فرمود: قبل از انشاء نام وحی زیانت را به حرکت در نیاور (لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ) و به سبب ترس از دست دادن آیات قرآن، در قرائت عجله نکن، (لَتُجَاجِلَ بِهِ) و البته هیچ عذری از تو در پی این امر پذیرفته نیست؛ زیرا خودت به خوبی می دانی که بر عهده ماست که تو را

۱. قیامت: ۱۶-۱۹.

۲. حسین بن علی ابوالفتح رازی؛ روض الجنان و روح الجنان؛ ج ۲۰، ص ۵۳. فخرالدین طریحی؛ تفسیر غریب القرآن؛ ص ۶۰. سید محمدحسین طباطبائی؛ المیزان؛ ج ۲۰، ص ۱۰۹.

در حفاظ قرآن تأیید کنیم و نگذاریم چیزی از قرآن را از دست دهی.^۱
 ۳. «وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ»^۲ و همانا تو تلقی و دریافت می کنی قرآن را از جانب خدای حکیم و دانا.

«لَقَى» به معنای چیزی است که مردم آن را می افکنند و طرح می کنند. «القا» و «تَلَقَّى» اگر از جنس کلام باشد، به معنای ابلاغ و املا می آن است.^۳ خلیل، تلقی کلام و فرائد را به معنای تلقین نیز دانسته^۴ و تلقین وقتی است که کلام به صورت شفاهی به مخاطب القا شود و مخاطب آن را اعاده و فهم کند.^۵ تلقی در آیه، چه به معنای اعطاء، تفهیم یا تلقین باشد^۶ یا آنکه تلقی و تلقین از نظر معنا به یکدیگر نزدیک باشند^۷ به این معناست که فرشته وحی قرآن را به پیامبر ﷺ اعطاء، تفهیم و تلقین کرده و آن را به صورت شفاهی واقع شده است.

از آنچه بیان شد، روشن می شود که قرآن به صورت مکتوب نازل نشده است، بلکه پیامبر ﷺ آن را به صورت شفاهی از فرشته وحی تلقی کرده است. از عبارات علامه طباطبائی برمی آید که ایشان نیز همین باور را دارد. وی در این زمینه می نویسد: دانستن این مطلب سزاوار است که مستفاد از ظاهر

۱. ملافتح الله کاشانی؛ زبدة التفاسیر؛ ج ۷، ص ۲۵۹. فضل بن حسن طبرسی؛ مجمع البیان فی تفسیر

القرآن؛ ج ۱۰، ص ۶۰۰. محمد محسن فیض کاشانی؛ التفسیر الصافی؛ ج ۴، ص ۱۶.

۲. نمل: ۶.

۳. خلیل بن احمد فراهیدی؛ کتاب العین؛ ج ۵، ص ۲۱۷. حسین یوسف موسی و عبدفتاح صعدی؛

الإفصاح فی فقه اللغة؛ ج ۱، ص ۹۲.

۴. خلیل بن احمد فراهیدی؛ کتاب العین؛ ج ۵، ص ۲۱۷.

۵. حسین یوسف موسی و عبدفتاح صعدی؛ الإفصاح فی فقه اللغة؛ ج ۱، ص ۲۲۱. فخرالدین

طریحی؛ مجمع البحرین؛ ج ۶، ص ۳۱۱.

۶. فضل بن حسن طبرسی؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ ص ۳۶۳.

۷. سید محمدحسین طباطبائی؛ المیزان؛ ج ۱۵، ص ۳۴۰.

قرآن کریم این است که تورات به صورت مکتوب و به یک باره بر موسی نازل شده است؛ اما قرآن را پیامبر ﷺ به صورت شفاهی از روح الامین تلقی کرده است؛ چنان که شنونده ای کلامی را از گوینده ای تلقی می کند.^۱

گفتنی است قرائت و ملفوظ بودن قرآن مربوط است به نزول تدریجی آن که در طول ۲۳ سال بر پیامبر ﷺ نازل شده است و آیاتی مانند «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتُحْثِیَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ» بر آن دلالت می کند؛ اما نزول دفعی آن در شب قدر (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ)، شبی مبارک (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مَبْرُورَةٍ) و ماه رمضان، شهر که حآن الَّذِی أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ) بر قلب آن حضرت بوده است.

نخستین نام ایشان قرائت با نزول اولین آیات بر پیامبر ﷺ است؛ آنجا که امین وحی پنج آیه را (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِی خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ)^۲ که در آنها دو بار از کلمه «اقْرَأْ» استفاده شده است، بر ایشان قرائت می کند و بر اساس آن پیامبر ﷺ نیز مأمور می شود پس از یاد گرفتن و به خاطر سپردن آن آیات، آنها را قرائت کند. بسیاری از آیات در این حقیقت دلالت می کنند؛ چنان که می فرماید: «فَإِذَا قَرَأْتَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ».^۳ بر سر می نه پسند: «ای قرأه جبریل علیک بأمرنا»؛^۴ پس اولین مقری جبرئیل و اولین راوی پیامبر ﷺ است.

۱. همان، ص ۲۰۹.

۲. بر اساس روایات معتبر اولین آیات نازل بر پیامبر ﷺ آیات نخست سوره علق است که برای نمونه یک روایت را نقل می کنیم. «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ شَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مَنْظُورِ بْنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الشَّرِيفِ عَنْ عَمِّهِ عَلِيِّ بْنِ الشَّرِيفِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ أَوَّلُ مَا نَزَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ - بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ وَ آخِرُهُ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ» (محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۶۲۸).

۳. علق: ۵۱.

۴. قیامت: ۱۸.

۵. فضل بن حسن طبرسی؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۰، ص ۱۹۷.

پیامبر ﷺ نیز هر بخشی از آیات را که از جبرئیل دریافت می کرد، بی درنگ برای مردم و صحابه با تانی و شمرده قرائت می کرد (وَقَرَأْنَا قُرْآنَهُ تَنْزِيلًا عَلَى النَّاسِ عَلَى مَكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا كِتَابَ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صُدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ لَتُنذِرَ بِهِ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ).^۱ آنان نیز آن آیات را قرائت و حفظ می کردند. آن حضرت افزون بر تعلیم قرآن و قرائت آن به جمع مسلمانان، به تعلیم برخی افراد و گروه خاص از صحابه نیز اقدام فرموده است؛ چنان که علی رضی الله عنه می فرماید:

فَمَا نَزَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأْنَاهَا وَأَمْلَاهَا عَلَيَّ فَكَتَبْتُهَا بِكُطْيٍ سَنَنِي تَأْوِيلَهَا وَتَفْسِيرَهَا وَنَاسِخَهَا وَمَنْسُوخَهَا وَمُحْكَمَهَا وَمُتَشَابِهَهَا وَخَاصَّهَا رِغَاءً وَدَعَا اللَّهُ أَنْ يُعْطِيَنِي فَفَهَمَهَا وَحَفِظْتُهَا فَمَا نَسِيتُ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَلَا عَلِمْتُ إِلَّا اللَّهَ تَعَالَى. من آیه ای بر رسول خدا ﷺ نازل نمی شد، مگر آنکه رسول الله ﷺ آن را به من قرائت می کرد و نیز املا می کرد و من با خط خود آن را می نوشتم و آن حضرت تأویل و تفسیر، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، خاص و عام آن را به من می آموخت و از خدا طلب کرد تا فهم و حفظ قرآن را به من عطا کند و به برکت دعای ایشان هیچ آیه ای از آیات را و نیز علم آن را که آن حضرت بر من املا کرده بود، فراموش نکردم.

درباره تعلیم گروهی صحابه، از ابن مسعود و ابی بن کعب نقل شده است که پیامبر ﷺ ده آیه از قرآن را بر ایشان می خواند و بعد چگونه عمل می کرد به آن را نیز به آنان می آموخت؛ سپس ده آیه بعدی را تعلیم می داد.^۲ آن گروه از صحابه که در محضر پیامبر ﷺ بودند و آیات را از حضرتش شنیده بودند، به میان

۱. اسراء: ۱۰۶.

۲. اعراف: ۲.

۳. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۱، ص ۶۴.

۴. محمد بن جریر طبری؛ جامع البیان عن تأویل آی القرآن؛ ج ۱، ص ۶۰. محمد بن عبدالله زرکشی؛ البرهان فی علوم القرآن؛ ج ۲، ص ۲۹۳.

مردم می آمدند و آنها را بر سایر مسلمانان قرائت می کردند و آنان نیز بر بقیه می خواندند. عباد بن صامت می گوید: هر گاه کسی از نقطه دیگر به حضور رسول خدا می آمد، آن حضرت وی را به یکی از ما می سپرد تا به او قرآن تعلیم دهیم و همواره از مسجد رسول خدا صدای قرآن خواندن مردم طنین انداز بود، تا آنجا که پیامبر ﷺ فرمود: مسلمانان قرآن را آهسته قرائت کنند تا یکدیگر را در قرائت قرآن به اشتباه نیندازند.^۱

همچنین خود حضرت کسانی را برای قرائت و تعلیم قرآن با عنوان مقری مأمور می کرد. بنا به مناطق گوناگون گسیل می داشت. وقتی بیعت کنندگان عقبه اولی بار گشتند، امیر اوطی نامه ای از پیامبر ﷺ خواستند شخصی را به مدینه بفرستد تا تعالیم اسلامی را بیان و قرآن را بر ایشان قرائت کند. آن حضرت مصعب بن عمیر را به مدینه فرستاد. وی در منزل سعد بن زراره فرود آمد. قبایل مختلف انصار نزد وی می آمدند و او با قرائت قرآن آنان را به اسلام فرا می خواند و آنها هم اسلام می آوردند یا بنام مکتوم عمرو بن قیس بن زائده که گفته اند همراه مصعب بن عمیر به مدینه آمد و در دارالقرء (خانه مخرمه بن نوفل، مؤذن پیامبر ﷺ در کنار بلال) سکونت گزید و به ایشان قرائت قرآن می آموخت. عمار، بلال و معاذ بن جبل نیز به وی بیعت داشتند.^۲ در میان انصار هفتاد نفر بودند که شب هنگام به مدینه می رفتند و به دیگران قرآن می آموختند یا خود پیامبر ﷺ عده ای را معرفی می کرد تا مردم برای آموزش قرائت قرآن به آنان مراجعه کنند.

این اقدامات نشان دهنده آن است که قرائت به صورت خاص مورد توجه آن حضرت و صحابه بوده است و از این طریق تعلیم و تعلم قرائت در زمان

۱. متقی هندی: کنز العمال؛ ج ۲، ص ۱۸۵.

۲. ابن سعد: الطبقات الکبری؛ ج ۲، ص ۲۰۶. محمد عبدالعظیم زرقانی: مناهل العرفان؛ ج ۱، ص ۳۰۸.

حیات پیامبر ﷺ به گونه‌ای شایع شد که همواره از گوشه و کنار مسجدالنبی آوای قرائت به گوش مسلمانان می‌رسید. آنان با قرائت دقیق آیات، از قرآن صیانت می‌کردند و از هر گونه اشتباهی پیشگیری می‌نمودند.

بر این اساس قرائت قرآن کریم میراث بزرگ اسلام است که نخست با اهتمام پیامبر ﷺ و صحابه و سپس در طول قرن‌های متوالی ابعاد مختلف آن واکاوی و بررسی شده و به رشد و بالندگی رسیده و درباره آن دانش‌های گوناگونی شکل گرفته و درباره آن دانش‌ها تألیفات گسترده‌ای از نثر و نظم تدوین یافته است.

با این همه باید اذعان کرد در زمینه فقه قرائت که وظیفه‌اش تبیین تکلیف مسلمانان درباره قرائت و ابعاد گوناگون آن است و از اهمیت بسیاری برخوردار است، آثار چندانی به صورت مستقل تدوین نشده است و فقیهان به برخی احکام مربوط به قرائت در ضمن دیگر مباحث فقهی متعرض شده‌اند.

کتاب فراروی شما نخستین نوشتار است که مباحث مربوط به فقه قرائت (فقه ادا، فقه آهنگ و موسیقی ادا) را مستقل و با اختاری نو بررسی و به جامعه علمی ارائه کرده است. بدیهی است فعالیت بی‌س و بدون نقص نخواهد بود؛ از این رو امید می‌رود محققان و دانشمندان قرآن‌پژوه با تدوین پیشنهادهای خود، این حقیر را در تکمیل آن یاری کنند. در پایان لازم می‌دانم از دانشمندان محترم آقای علی مدبّر (اسلامی) که با نظارت و آقایان حبیب‌الله احمدی و محمدرضا شهیدی پور که با ارزیابی و آقای محمدعلی محمدی که با نظارت فرایندی بر غنای اثر افزودند، سپاسگزاری کنم.

محمدصادق یوسفی مقدم